

## اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه

سید کمیل طیبی\*، کریم آذربایجانی\* و روح‌اله بابکی\*\*

\* گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

\*\* گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد

### چکیده

یکی از مسایل عمده‌ای که در زمینه تجارت خارجی هر کشور مطرح می‌شود، موضوع آثار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند باعث افزایش ظرفیت‌های تولیدی به ویژه در مورد کالاهای صادراتی شود و در زمینه برقراری پیوند و ارتباط با اقتصاد بین‌المللی از طریق توسعه بازارهای صادراتی و پیشرفت در زمینه‌های تحقیق و توسعه به کشور میزبان کمک نماید. از این رو هدف این تحقیق، بررسی تأثیر این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بر تجارت خارجی کشورهای میزبان است. الگوی مورد بررسی برای این هدف، با روش داده‌های تابلویی برای ۲۴ کشور (شامل ۱۲ کشور شرق آسیا و اقیانوسیه و ۱۲ کشور غرب آسیا) طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۸۰ برآورد شده است.

نتایج، بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات در کشورهای مورد بررسی است، در حالی که این اثر در شرق آسیا و اقیانوسیه نسبت به غرب آسیا چشمگیرتر است. از این رو، به کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران پیشنهاد می‌شود که به سیاست تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورند و شرایط ورود این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را تسهیل نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت خارجی، کشورهای آسیایی و اقیانوسیه، داده‌های تابلویی.

## The Impact of Foreign Direct Investment on Foreign Trade in Selected Asia-Pacific Countries

S. K. Tayebi\*, K. Azarbayejani\* and R. Babaki\*\*

\* Economics Department, the University of Isfahan

\*\* Economics Department, Bojnourd University

### Abstract

The attraction of foreign direct investment (FDI) and its relevant effect on international trade has been generally one of important issues in the literature. FDI causes an increase in production capacities and meanwhile it plays a crucial role in constructing linkage between economies worldwide throughout export market expansion, spillovers and technology transformation. The objective of this research is thus to examine the effects of FDI inflows on foreign trade of host countries. A trade model is specified and estimated by using panel data of 24 selected Asian-Pacific countries, (which includes 12 East Asia-Pacific countries and 12 countries from the West Asia), in the period of 1980-2005. Empirical results indicate that FDI affects significantly and positively all considered countries' imports and exports, overall, while the impact is more pronounced in the East Asia-Pacific than that in the West Asia region. Hence, the implication is that developing countries like Iran should facilitate and increase FDI inflows to achieve more developed technology and financing.

**Keywords:** FDI, International Trade, Asia-Pacific Countries, Panel Data.

### ۱. مقدمه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکاف بین منابع پس انداز ملی و نیازهای سرمایه‌گذاری و همچنین عدم تعادل بین هزینه‌ها و درآمدهای ارزی موجب می‌گردد که این کشورها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی و برای تکمیل منابع داخلی به منابع خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورند (عباسی، ۱۳۸۲). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری غیر مستقیم خارجی از جمله منابع باثبات و پایدار برای تأمین مالی خارجی است که نه تنها مشکلات استقراض خارجی را ندارد بلکه عاملی برای جبران کمبود سرمایه کشورها به حساب می‌آید.

در عمل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب پر شدن شکاف بین پس انداز و سرمایه‌گذاری و همچنین

درآمدهای مالیاتی هدف گذاری شده دولت و درآمدهای مالیاتی تحقق یافته می‌شود. از جمله مزایای دیگر سرمایه گذاری مستقیم خارجی، می‌توان به بهره‌گیری از بزرگی مقیاس تولید، گردش بیشتر منابع مالی در نظام مالی کشور میزبان، افزایش قدرت چانه‌زنی و قدرت سیاسی این کشورها به دلیل بسط روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با سایر کشورها و همچنین افزایش کیفیت کالاها و خدمات به دلیل افزایش رقابت اشاره نمود (ملکی، ۱۳۸۲).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای میزبان به طرق مختلف و در ابعاد گوناگون تأثیر می‌گذارد. طیف این اثرگذاری بسیار گسترده است: مانند تأثیر بر اشتغال، واردات و صادرات، تراز پرداخت‌ها، ساختار صنعتی، تمرکز

فرضیات و نتایج حاصل از آن است. بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهادات را در بر می‌گیرد.

## ۱- ادبیات موضوع

### ۱-۲- ماهیت سرمایه‌گذاری خارجی

هر نوع سرمایه‌گذاری که به وسیله شرکت‌های خصوصی یا افراد در کشورهایی غیر از وطن ایشان انجام می‌شود، سرمایه‌گذاری خارجی نام دارد. سرمایه‌گذاری خارجی، بیشتر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چندملیتی (MNEs<sup>۱</sup> یا MNCs<sup>۲</sup>) صورت گرفته و از آن به عنوان جریان خصوصی سرمایه<sup>۳</sup> یاد می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی، به دو صورت سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی (FPI)<sup>۴</sup> و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)<sup>۵</sup> انجام می‌شود (برکلی، ۲۰۰۰)<sup>۶</sup>.

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی، شامل سرمایه‌گذاری‌هایی است که به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی به صورت خرید اوراق بهادار یک مؤسسه و شرکت مالی صورت می‌گیرد و طی این فرایند، بدون این که شخص کنترلی بر سرمایه خود داشته باشد، آن را در اختیار کشور میزبان قرار می‌دهد (کمیجانی و عباسی، ۱۳۸۵).

اجتماعی و سیاسی و غیره، که هر کدام به نوبه خود دارای پیچیدگی خاص خود است. در نتیجه، شناخت اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شاخص‌های اقتصادی کشور میزبان، به ویژه صادرات و واردات، جهت اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه و کاستن از هزینه‌های ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزودن به منافع ناشی از فعالیت شرکت‌های چند ملیتی ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه این که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند باعث افزایش ظرفیت‌های تولیدی به ویژه ظرفیت تولیدی کالاهای صادراتی شود و در زمینه برقراری پیوند و ارتباط با اقتصاد بین‌المللی از طریق توسعه بازارهای صادراتی و پیشرفت در زمینه‌های تحقیق و توسعه به کشور میزبان کمک نماید، از این رو این مقاله بر آن است تا تأثیر این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بر تجارت خارجی را در ۲۴ کشور منتخب (شامل ۱۲ کشور شرق آسیا و اقیانوسیه و ۱۲ کشور غرب آسیا) طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۸۰ بررسی نماید، لذا فرضیات این مقاله عبارتند از:

- ۱) جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه مؤثر است.
- ۲) جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر واردات کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه مؤثر است.

این مقاله از ۵ بخش تشکیل شده است: بخش دوم به ادبیات موضوع و بخش سوم به ارایه الگو می‌پردازد. بخش چهارم شامل داده‌ها، تخمین و آزمون

1- Multinational Enterprises (MNEs)  
 2- Multinational Corporations (MNCs)  
 3- Capital Private Flows  
 4- Foreign Portfolio Investment (FPI)  
 5- Foreign Direct Investment (FDI)  
 6- Berclay (2000)

به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی فقط محدود به انتقال منابع مالی است و انتقال فناوری را در بر ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری شامل معاملات سهام، اوراق قرضه، سپرده‌های بانکی و مانند آن است و صرف مالکیت این گونه دارایی‌ها برای سرمایه‌گذار، حق اعمال دخالت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های مؤسسه را ایجاد نمی‌کند (بهنام مجتهدی، ۱۳۷۳). بازدهی قطعی، نقدینگی بالا و کوتاه بودن دوره سرمایه‌گذاری، جذابیت‌های خاص سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی برای سرمایه‌گذار است، اما تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا و آمریکای جنوبی نشان می‌دهد که درجه بالای فرار سرمایه غیرمستقیم خارجی، نمی‌تواند از نقطه نظر تأمین مالی خارجی، آن را به تکیه‌گاه مطمئن برای کشور میزبان تبدیل کند و در واقع، کشورها ناگزیرند در گزینه‌های تأمین منابع مالی خارجی خود، وزن کمتری را به این نوع سرمایه‌گذاری اختصاص دهند (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی است که کشور سرمایه‌گذار به طور مستقیم در دارایی‌ها و منابع کشور سرمایه‌پذیر انجام می‌دهد. در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار خارجی با حضور فیزیکی در محل سرمایه‌گذاری و قبول مسئولیت‌های مالی، به طور مستقیم کنترل و اداره واحد را در کشور میزبان در دست دارد (بهنام مجتهدی، ۱۳۷۳). تعاریف متعددی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه

شده است. از نظر آنکتاد<sup>۱</sup>، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتست از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول<sup>۲</sup>، سرمایه‌گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری به جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار از این سرمایه‌گذاری، آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد.

## ۲-۲- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان

با افزایش روز افزون مشکلات ترازپرداخت‌ها و همچنین بحران بدهی‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه و در نتیجه کاهش کمک‌ها و وام‌های خارجی، دگرگونی‌های زیادی در نگرش و دیدگاه کشورهای در حال توسعه نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پدید آمده است.

بسیاری از این کشورها به ارزیابی دوباره مواضع خود در برابر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و گام‌های اساسی یک سویه در جهت آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داخل کشور برداشته‌اند

1- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

2- International Monetary Found (IMF)

اقتصاد جهانی، کاهش ارزش سهام و سودآوری شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و همچنین کندی روند اصلاح ساختارهای مالی و سرمایه‌گذاری، از عوامل دیگر کاهش جریان سرمایه‌گذاری جهانی ذکر شده است.

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۴ با یک افزایش روبه‌رو شد، که نشان‌دهنده جهش کوچکی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهانی، بعد از ۳ سال روند نزولی این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بود. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان در سال ۲۰۰۴ از ۲ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۳ برخوردار بوده است.

جریان این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۴، با ۴ درصد افزایش، به ۲۳۳ میلیارد دلار رسید، به گونه‌ای که در این سال سهم این کشورها از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهانی ۳۶ درصد، یعنی بالاترین سطح بعد از سال ۱۹۹۷ بوده است. کشور آمریکا، موقعیت خود را به عنوان اولین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان همچنان حفظ کرده است و پس از آن، کشورهای انگلستان و چین در رتبه‌های بعدی قرار دارند (انکتاد، ۲۰۰۵).<sup>۱</sup>

جدول (۱)، روند جریان‌ات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در سطح جهان و به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و همچنین سهم هر کدام را در طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۵ نشان می‌دهند.

و در واقع، نوعی رقابت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای کمتر توسعه یافته پدید آمده است.

بررسی روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه دهه پایانی قرن بیستم، حاکی از سهم قابل توجه در نقل و انتقال بین‌المللی سرمایه است. کشورهای در حال توسعه نیز طی دو دهه گذشته با تغییرات چشمگیری که

برنامه‌های اقتصادی خود ایجاد کرده‌اند، توانستند موقعیت خود را در جهان بهبود بخشند. در مجموع، کشورهای در حال توسعه در جذب جریان رو به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موفق عمل نموده‌اند، به طوری که حجم جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این کشورها از ۳۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۲۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، ۲۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ و ۱۹۰ و ۲۰۰۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسید. اما سهم کشورهای در حال توسعه در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ با وجود کاهش حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان (نسبت به سال قبل) افزایش پیدا کرده است. در بین کشورهای در حال توسعه، کشورهای جنوب شرقی از عمده‌ترین جذب‌کنندگان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شوند.

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق مختلف جهان، تا سال ۲۰۰۳ همچنان از روند کاهشی برخوردار بوده است و عمده‌ترین دلیل کاهش آن، کم شدن رشد اقتصاد جهانی و امنیت سرمایه‌گذاری بوده است. همچنین مواردی از قبیل چشم‌انداز مبهم

منطقه	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
جهان	۷۴۰/۷	۸۳۲/۶	۶۲۲/۰	۵۶۴/۱	۷۴۲/۱	۹۴۵/۳	۱۳۰۵/۹
کشورهای توسعه یافته	۵۴۳/۹	۶۰۹/۰	۴۴۲/۳	۳۶۱/۲	۴۱۸/۹	۵۹۰/۳	۸۷۵/۵
	(۷۳/۴)	(۷۳/۲)	(۷۱/۱)	(۶۴/۰)	(۵۶/۴)	(۶۲/۴)	(۵۶/۷)
کشورهای در حال توسعه	۱۸۸/۰	۲۱۲/۰	۱۶۶/۳	۱۷۸/۷	۲۸۳/۰	۳۱۴/۳	۳۷۹/۱
	(۲۵/۴)	(۲۵/۵)	(۲۶/۷)	(۳۱/۷)	(۳۸/۱)	(۳۳/۲)	(۲۹/۰)
آفریقا	۹/۰	۲۰/۰	۱۳/۶	۱۸/۷	۱۸/۰	۲۹/۶	۳۵/۵
آمریکای لاتین و کارائیب	۷۲/۶	۷۸/۵	۵۴/۳	۴۴/۷	۹۴/۳	۷۵/۵	۸۳/۸
آسیا و اقیانوسیه	۱۰۶/۳	۱۱۳/۶	۹۸/۴	۱۱۵/۳	۱۷۰/۷	۲۰۹/۱	۲۵۹/۸
اروپای جنوب شرق و کشورهای مستقل مشترک المنافع	۸/۸	۱۱/۵	۱۳/۴	۲۴/۲	۴۰/۳	۴۱/۲	۶۹/۳
	(۱/۲)	(۱/۴)	(۲/۲)	(۴/۳)	(۵/۴)	(۴/۴)	(۵/۳)

جدول (۱): جریانات ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان (۱۹۹۵-۲۰۰۶) به میلیارد دلار<sup>۱</sup> این تعداد، ۲۳۴ مورد آن در جهت تمایل بیشتر به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است.

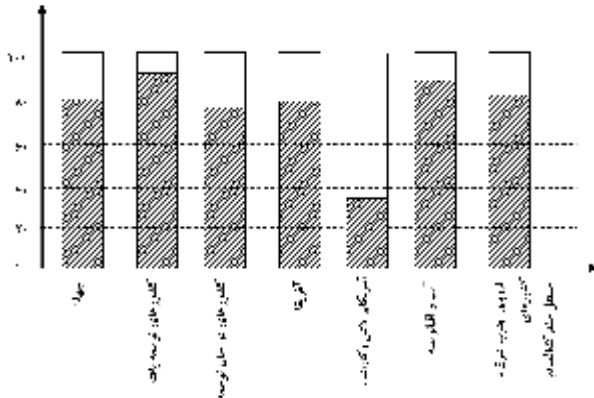
منبع: UNCTAD, World Investment Report(2007)

همچنین، آنکتاد در گزارش جهانی سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۶، تغییرات قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری را در مناطق مختلف جهان که در سال ۲۰۰۵ پدید آمده است، ارایه می‌دهد (شکل ۱). همان‌طور که از شکل (۱) مشخص است، در سال ۲۰۰۵ بیشترین درصد تغییرات در قوانین سرمایه‌گذاری، در آسیا و اقیانوسیه و کم‌ترین آن، در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب بوده است. همچنین در این سال، درصد تغییرات در قوانین سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه نیز بیشتر بوده است.

بر اساس گزارش آنکتاد (۲۰۰۵)، تعداد کشورهایی که شروع به ایجاد تغییر در قوانین سرمایه‌گذاری خود کرده‌اند، به طور فزاینده‌ای در حال افزایش هستند. همان‌طور که آنکتاد در گزارش جهانی سرمایه‌گذاری (۲۰۰۵) نشان می‌دهد، تعداد این کشورها از ۴۳ کشور در سال ۱۹۹۲، به ۱۰۲ کشور در سال ۲۰۰۴ رسیده است. بر این اساس این جدول، در سال ۲۰۰۴، در سطح جهان ۲۷۰ مورد تغییر در قوانین سرمایه‌گذاری صورت گرفته که از

۱- اعداد داخل پرانتز، نشان دهنده سهم آن‌ها به درصد است.

جانشینی و در دیگر اقتصادهای در حال گذار اروپای شرقی و مرکزی به صورت مکملی بوده است.



شکل (۱): تغییرات قوانین سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف

جهان در سال ۲۰۰۵ (به درصد)

منبع: آنکتاد، گزارش سرمایه‌گذاری جهانی (۲۰۰۶)

لیو و همکاران (۲۰۰۱)<sup>۲</sup>، در مقاله‌ای با عنوان "روابط علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در چین" به بررسی رابطه علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت (صادرات و واردات) در چین پرداخته‌اند. مطالعه تجربی آن‌ها با استفاده از داده‌های دو طرفه برای چین و ۱۹ کشور (ناحیه) میهمان طی دوره ۱۹۸۴-۱۹۹۸ و با به کارگیری مدل داده‌های تابلویی صورت گرفته است. نتایج روند صحیحی از توسعه را در چین نشان می‌دهد. رشد واردات چین، سبب رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی از طرف یک کشور (ناحیه) میهمان می‌شود که به نوبه خود، سبب رشد صادرات از چین به آن کشور می‌شود. از سوی دیگر، رشد صادرات چین نیز باعث رشد واردات این کشور می‌شود.

## ۲-۳- مروری بر مطالعات پیشین

### ۲-۳-۱- مطالعات خارجی

افریکانو و ماگال هاس (۲۰۰۵)<sup>۱</sup>، در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در پرتغال: یک تحلیل جاذبه" به بررسی رابطه بین ذخیره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان تجارت پرداخته‌اند. آن‌ها با به کارگیری مدل جاذبه برای تجارت دوطرفه بین پرتغال و کشورهای OECD به علاوه برزیل از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۰ به این نتیجه رسیده‌اند که ذخیره ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه مثبتی با تجارت دارد که پیشنهادکننده وجود نوعی رابطه مکملی بین این دو می‌باشد. البته این اثر روی صادرات نسبت به واردات قوی‌تر است، در نتیجه اثر مثبتی روی تراز تجاری دارد.

واویلف (۲۰۰۵)<sup>۲</sup>، در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در کشورهای صادرکننده نفت: مکمل‌اند یا جانشین؟" یک تحلیل اقتصاد سنجی از رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت بین‌الملل برای دوره ۱۹۹۲-۲۰۰۴ ارائه می‌کند. نتایج تخمین داده‌های تابلویی، جانشینی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت را در کشورهای صادرکننده نفت شامل ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و روسیه و مکملی بین آن‌ها را در بقیه کشورهای ناحیه نشان می‌دهد. همچنین این رابطه در بین ۵ کشور بزرگ صادرکننده نفت (ایران، الجزیره، ونزوئلا، امارات متحده عربی و عربستان سعودی) به صورت

1- Africano & Magalhaes(2005)

2- Vavilov(2005)

3- Liu, et al(2001)

سال‌های بحران، بر شدت کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی این کشورها افزوده می‌شد. لازم به ذکر است این کشورها در دو دهه گذشته به توسعه اقتصادی قابل توجهی دست یافته‌اند که رسیدن به این سطح از توسعه، به جز از طریق جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امکان‌پذیر نبود.

بایوسی و لیپ‌وورت (۱۹۹۷)<sup>۲</sup>، در تحقیقی به بررسی رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در ژاپن می‌پردازند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که اثر بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات ژاپن بی‌معنی است، اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، روی ساختار صادرات این کشور مؤثر است، به طوری که صادرات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای را افزایش داده و صادرات کالاهای مصرفی را کاهش می‌دهد.

در تحقیق آنها، رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت با استفاده از آمارهای دوطرفه، برای تعدادی از کشورهایی که سهم قابل توجهی در تجارت با ژاپن دارند، مورد بررسی قرار گرفته است. به این صورت که متغیرهای صادرات و واردات (به طور جداگانه)، به صورت تابعی از تولید واقعی، نرخ ارز، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۳</sup> و ذخیره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۴</sup> در نظر گرفته شده است. ضریب ذخیره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اثر بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر روی تجارت و ضریب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اثرات موقتی

اکسیوکین و دیکی (۲۰۰۰)<sup>۱</sup>، در مقاله‌ای به بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی و ثبات کشورهای ASEAN-5 (شامل کشورهای مالزی، اندونزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند) پرداخته‌اند. بر اساس مدل‌های رشد، یافته‌ها نشان داد که سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای ASEAN-5 طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۷، ۲۰ درصد بوده است و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نقش ایجاد ثبات در جریان بحران مالی آسیا را داشته است.

بر اساس تحقیق آن‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از چند کانال در رشد اقتصادی سهیم است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک منبع تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی (از طریق ایجاد عوامل، ماشین‌آلات و بهبود انتقال فناوری) تأثیر مستقیم دارد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت غیر مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سایر متغیرهای کلان نظیر اشتغال، صادرات، مصرف و پس‌انداز اثر می‌گذارد، که این‌ها در حقیقت رشد اقتصادی را افزایش می‌دهند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش ویژه‌ای در جلوگیری از شوک‌های خارجی در طول بحران مالی آسیا داشته است، که این مسأله نوسانات مالی و اقتصادی ASEAN-5 را در دوران بحران کاهش داده است. از این رو، در صورت عدم ورود مستمر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در طول

2- Bayouci & Lipwort(1997)

3- FDI Flows

4 - FDI Stock

1- Xiaoqin & Dickie(2000)



ایران"، به بررسی اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی برخی از متغیرها از جمله صادرات صنعتی و اشتغال پرداخته است. وی با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی و با استفاده از اطلاعات نمونه‌گیری آماری سال ۱۳۷۸ از ۶۵ واحد تولیدی در ایران که در آنها مشارکت خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی انجام گرفته، به نتایجی دست یافته است که عبارتند از:

۱- صادرات صنعتی ایران، تابعی از میزان مشارکت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به ایجاد واحدهای تولیدی بزرگ (با اشتغال بیش از ۵۰ نفر) منجر می‌شود. از این رو، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب افزایش اشتغال در کشور خواهد شد.

۳- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به گسترش تحقیق و توسعه (R&D) در کشور منتهی نخواهد شد. زیرا طبق مدل ارایه شده، نوسانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر معنی‌داری روی فعالیت تحقیق و توسعه نداشته است و بیشتر واحدهای تولیدی فاقد این فعالیت مهم در جهت بومی کردن تکنولوژی وارداتی می‌باشند.

۴- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بیشتر به امنیت سرمایه‌گذاری و مشکلات برون‌سازمانی از قبیل بروکراسی اداری، فقدان زیربنای اقتصادی و قوانین کار، حساسیت دارد.

۵- وابستگی محصولات تولید شده در پروژه‌های با مشارکت خارجی به مواد واسطه وارداتی، نسبتاً زیاد است و به بیان دیگر این واحدها ارزش افزوده پایینی دارند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را روی تجارت اندازه‌گیری می‌کند. بایوسی و لپ ورت، با استفاده از آمار و اطلاعات در دوره ۹۵-۱۹۸۵ و با به‌کارگیری متغیرها به شکل لگاریتمی، تخمین می‌زنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تنها اثر موقتی بر صادرات ژاپن دارد. علاوه بر این، در طی سال‌های ۹۵-۱۹۹۰ جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موجب افزایش واردات تا حدود ۱۰ درصد شده است.

جان سن (۱۹۹۵)، در تحقیقی با عنوان "اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشور تایلند" به بررسی روابط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و تعادل تراز پرداخت‌های کشور تایلند را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اثر مثبت بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی دارد، اما منجر به بدتر شدن تعادل تراز پرداخت‌ها می‌شود.

همچنین نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۹۱-۱۹۸۵ افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اثر مثبت بر رشد صادرات داشته است، اما واردات نیز به سرعت افزایش یافته و به دنبال آن وابستگی وارداتی تشدید شده است (هدایتی، ۱۳۷۷).

## ۲-۳-۲- مطالعات داخلی

کازرونی (۱۳۷۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و موانع بازدارنده آن در

تجربی رشد صادرات کل نشان داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت بر رشد صادرات کل کشورهای صادرکننده نفت گروه  $D_8$  دارد. همچنین آزمون مدل تجربی رشد صادرات غیر نفتی نیز نشان داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی بر رشد صادرات غیر نفتی کشورهای فوق دارد. آزمون مدل تجربی رشد صادرات نفتی، اثر منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات نفتی این کشورها را نشان داد.

خباز پیشه (۱۳۶۹)، در مطالعه‌ای با عنوان "نقش شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد کشورهای جهان سوم"، بیان می‌کند که هدف کشورهای جهان سوم از همکاری با شرکت‌های چندملیتی، دستیابی به آهنگ رشد سریع‌تر و هدف شرکت‌های چندملیتی، استفاده از مزیت نسبی این کشورها و دسترسی به اقلام بیشتر سود است.

نتایج وی نشان می‌دهد که تنها چند کشور محدود توانسته‌اند از طریق مشارکت با شرکت‌های چندملیتی خارجی به رشد اقتصادی دست یابند که از آن جمله می‌توان به کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور اشاره نمود و در بسیاری از کشورهای دیگر، این استراتژی با شکست مواجه گردیده است. شکست سیاست مشارکت خارجی در هندوستان، الجزایر، زئیر، کنیا و برخی از کشورهای امریکای لاتین نشان دهنده این موضوع است که مشارکت شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد تمامی کشورها مؤثر نبوده است و در برخی مواقع، در نهایت به کاهش تولیدات صنعتی منجر گردیده است.

هدایتی (۱۳۷۷)، در مطالعه‌ای با عنوان "اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد صادرات کشورهای صادرکننده نفت گروه  $D_8$ "، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی و صادرات نفتی کشورهای صادرکننده نفت گروه  $D_8$  (اندونزی، ایران، مالزی، مصر و نیجریه)، را با استفاده از روش پولینگ<sup>۱</sup> طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ مورد آزمون قرار داده است. وی اشاره می‌کند که اندونزی و مالزی با متمایل شدن به استراتژی توسعه صادرات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توانسته‌اند محصولات صادراتی خویش را متنوع سازند و سهم صادرات کالاهای صنعتی و کارخانه‌ای را افزایش دهند.

اما اقتصادهای ایران و نیجریه همچنان وابستگی شدیدی به صادرات نفت دارند و عمده صادرات کشور مصر نیز کالاهای سنتی و مواد خام می‌باشد. در این مطالعه، ابتدا نظریه مک دوگال و سپس نظریه عمومی سازمان تجارت جهانی در قالب یک مدل تجربی با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ مورد آزمون قرار گرفته‌اند. آزمون نظریه مک دوگال نشان داد که دارای نتایج نسبتاً خوبی است و به سرمایه‌گذاری‌های دیگر و عوامل مؤثر و مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توجهی ندارد.

بنابراین جهت رفع این نقایص، نظریه عمومی سازمان تجارت جهانی در قالب ۳ مدل تجربی یعنی مدل رشد صادرات کل، مدل رشد صادرات غیر نفتی و مدل رشد صادرات نفتی برآورد شده است. بررسی مدل

### ۳- ارایه الگو

یکی از مسایل عمده‌ای که در زمینه تجارت خارجی هر کشور مطرح می‌شود، موضوع آثار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات می‌باشد. از جمله آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کشور میزبان می‌توان به ایجاد زمینه‌ای برای صادرات به بازارهای ثالث<sup>۱</sup>، افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی، تأثیر روی مزیت رقابتی کشور، ایجاد زیر بناهایی برای تجارت و گسترش رقابت‌پذیری بین‌المللی بنگاه‌های داخلی اشاره کرد (واویلف، ۲۰۰۵).

هدف سرمایه‌گذار خارجی و کشور میزبان، افزایش ظرفیت‌های تولیدی، به‌ویژه افزایش ظرفیت‌های تولیدی کالاهای صادراتی است، لذا از این طریق، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در راستای افزایش صادرات کشورهای میزبان باشد. البته باید توجه داشت که در صورتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند صادرات را افزایش دهد که بر اساس نظریه کوچیما، با سمت‌گیری تجاری باشد. اگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بدون سمت‌گیری تجاری باشد، صادرات کشور میزبان را افزایش نخواهد داد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بر واردات کشور میزبان نیز تأثیر می‌گذارد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها، از یک سو می‌تواند واردات برخی از کالاهای نهایی را کاهش داده و از سوی دیگر موجب افزایش واردات

فناوری، کالاهای واسطه‌ای، کالاهای سرمایه‌ای، محصولات نیمه‌تمام و محصولات مشابه در کشور میزبان گردد (واویلف، ۲۰۰۵). البته در صورتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باعث افزایش اشتغال در کشورهای میزبان شود، درآمدهای داخلی افزایش یافته، لذا تقاضای داخلی در این کشورها افزایش می‌یابد و در صورتی که تولیدات داخلی، پاسخگوی این افزایش تقاضا نباشد، واردات این کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین از نظر تئوری انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (در صورتی که با سمت‌گیری تجاری باشد)، اثر مثبتی بر صادرات کشور میزبان داشته باشد، اما اثر آن بر واردات کشور میزبان مشخص نیست. زیرا از یک سو ممکن است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به دلیل افزایش درآمدهای داخلی و به تبع آن، افزایش تقاضای داخلی، واردات را افزایش دهد. از سوی دیگر ممکن است، واردات کالاهای نهایی‌ای که برای تولید آن از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده شده را کاهش داده و همچنین به دلیل گسترش مقیاس تولید و افزایش ظرفیت‌های تولیدی، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را افزایش دهد.

از این رو به طور قطع، نمی‌توان در مورد رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات کشور میزبان اظهار نظر نمود. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است، واردات کشور میزبان را کاهش یا افزایش دهد که این تأثیر، به عوامل مختلفی بستگی دارد. از جمله این که واردات کالاهای نهایی و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، هر کدام چه درصدی از واردات

۱- به دلیل این که شرکت‌های چندملیتی که عامل اصلی FDI محسوب می‌شوند، از تعاملات بین‌المللی بسیار زیادی برخوردارند.

که متغیرهای آن در جدول زیر تعریف شده است:

جدول (۲): تعریف متغیرهای الگو

متغیر	تعریف
$Ex_t$	صادرات کشور ۱ در سال $t$
$Im_t$	واردات کشور ۱ در سال $t$
$FDI_t$	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور ۱ در سال $t$
$Exchange_t$	نرخ ارز کشور ۱ در سال $t$
$I_t$	سرمایه‌گذاری داخلی کشور ۱ در سال $t$
$GDP_t$	تولید ناخالص داخلی کشور ۱ در سال $t$
$\varepsilon_t$	جزء اختلال

۴- داده‌ها، تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج

۴-۱- داده‌ها

در این تحقیق، داده‌های مربوط به صادرات و واردات کالاها و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از آمارهای منتشر شده در سایت آنکتاد در سال ۲۰۰۷ گرفته شده است. داده‌های نرخ ارز از آمارهای منتشر شده صندوق بین‌المللی پول (IMF)<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۵ (IFS, 2005)<sup>۲</sup> اخذ شده است. در این تحقیق، به جای متغیر سرمایه‌گذاری داخلی از میزان تشکیل سرمایه ناخالص به عنوان متغیر جایگزین<sup>۳</sup> استفاده شده و

کل کشورهای میزبان را تشکیل می‌دهند و این که آیا تولیدات داخلی، می‌تواند جوابگوی افزایش تقاضای ناشی از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد، لذا در این مطالعه، به منظور بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات در کشورهای منتخب، از الگوی اوایل (۲۰۰۵) استفاده می‌شود. اوایل، برای بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات الگوی زیر را ارائه داده است:

(۱)

$$X_t = f(GDP_t, ExRate_t, InwFDIstoc k_{t-1}, InwFDIstoc k_{t-2}, OutFDIstoc k_{t-1}, OutFDIstoc k_{t-2})$$

(۲)

$$M_t = f(GDP_t, ExRate_t, InwFDIstoc k_{t-1}, InwFDIstoc k_{t-2}, OutFDIstoc k_{t-1}, OutFDIstoc k_{t-2})$$

در الگوی اوایل،  $X$  صادرات،  $M$  واردات،  $GDP$

تولید ناخالص داخلی،  $ExRate$  نرخ ارز،

$InwFDIstock$  ذخیره  $FDI$  ورودی و

$OutFDIstock$  ذخیره  $FDI$  خروجی می‌باشد. اکنون

در این مقاله، با تأکید بر روابط فوق، معادله‌های (۳) و (۴)،

به صورت زیر تصریح می‌شوند که در آن به ترتیب اثر

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات

کشورهای منتخب قابل بررسی است:

(۳)

$$\Delta X_t = \alpha + \beta_1 FDI_{t-1} + \beta_2 Exchange_t + \beta_3 I_t + \beta_4 GDP_t + \varepsilon_t$$

(۴)

$$\Delta Im_t = \alpha + \beta_1 FDI_t + \beta_2 Exchange_t + \beta_3 I_t + \beta_4 GDP_t + \varepsilon_t$$

1- International Monetary Found( IMF)

2- International Financial Statistics( IFS), 2005, CD ROM

3- Proxy

واردات در کل کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه و همچنین در دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا، طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۸۰ بررسی می‌شود.

داده‌های آن از آمارهای منتشر شده از سوی بانک جهانی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۶ (WDI, 2006)<sup>۲</sup> اخذ گردیده است. داده‌های تولید ناخالص داخلی از آمارهای منتشر شده در سایت صندوق بین‌المللی پول با عنوان چشم‌انداز اقتصادی جهان (WEO)<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۷ به دست آمده است. لازم به ذکر است که تمام این داده‌ها به قیمت جاری بوده و بر حسب میلیون دلار می‌باشد.

#### ۴-۲-۱- تجزیه و تحلیل اثر سرمایه‌گذاری مستقیم

#### خارجی بر صادرات

همان‌طور که در بخش ارزیابی الگو بیان شد، الگویی که به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات می‌پردازد، به صورت زیر است:

$$\ln Ex = \alpha + \beta_1 FDI + \beta_2 \ln Exchange + \beta_3 I + \beta_4 GDP + \epsilon$$

نتایج تخمین این الگو برای کل نمونه مورد بررسی (۲۴ کشور) در جدول (۳) آمده است. برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی (روش ترکیبی OLS) از آماره F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه  $H_0$  داده‌های تلفیقی (روش ترکیبی OLS) و فرضیه مقابل  $H_1$ ، روش داده‌های تابلویی است. اگر بعد از انجام دادن آزمون F، فرضیه  $H_0$  رد شده باشد، از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که الگو در قالب کدام

الگوهای این تحقیق، برای ۲۴ کشور<sup>۴</sup> شامل ۱۲ کشور شرق آسیا و اقیانوسیه و ۱۲ کشور غرب آسیا طی ۲۶ سال ۲۰۰۵-۱۹۸۰ برآورد گردیده است. نمونه مورد بررسی با توجه به محدودیت‌های آماری موجود و همچنین در برداشتن کشورهای با اقتصادهای متفاوت انتخاب گردیده است.

#### ۴-۲- تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج

در این مقاله، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی به طور جداگانه برای صادرات و

1- World Bank  
2- World Development Indicators( WDI), 2006, CD ROM  
3- World Economic Outlook(WEO)  
۴- نام کشورهای منتخب در این تحقیق، در جدول (۷) آورده شده است.

هاสมن برابر  $1/14$  می‌باشد و با توجه به این که در این تحقیق سطح معنی‌داری، ۵ درصد در نظر گرفته شده است، لذا الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی است.

یک از روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، قابل بررسی است. آزمون هاسمن برای تعیین روش تخمین در روش داده‌های تابلویی به کار می‌رود. در این آزمون، فرضیه  $H_0$  روش اثرات تصادفی و فرضیه مقابل  $H_1$ ، روش اثرات ثابت است و در صورتی که فرضیه  $H_0$  رد شود، روش مورد استفاده برای تخمین، روش اثرات ثابت خواهد بود. در این تخمین،  $F$  لیمر برابر  $14/78$  و آزمون

جدول (۳): نتایج تخمین الگوی اول برای صادرات در کل نمونه مورد بررسی (۲۰۰۵-۱۹۸۰)

آزمون هاسمن	II لیمر	$R^2$	آماره t	ضریب	متغیرهای مستقل
			۲۲/۹۲	۶/۳۱۵۷	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
			$(Pr=0,01)$		
			۰/۳۸	۰/۰۰۳۷	نرخ ارز
۱/۱۴	۱۴/۷۸		$(Pr=0,70)$		
$(Pr=0,89)$	$(Pr=0,01)$	۰/۸۶	۵/۵۲	-۰/۲۳۰۸	سرمایه‌گذاری داخلی
			$(Pr=0,01)$		
			۱۶/۰۹	۰/۱۶۱۳	تولید ناخالص داخلی
			$(Pr=0,01)$		

منبع: یافته‌های تحقیق \* اعداد داخل پرانتز، مقدار احتمال (Prob) فرضیه صفر را نشان می‌دهد.

گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در کل کشورهای مورد بررسی مثبت است، نشان‌دهنده صادرات‌گرایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها است و

بر اساس این تخمین، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کل نمونه، مثبت و معنی‌دار است و ضریب آن در حدود  $4/32$  می‌باشد. این که اثر سرمایه-

این نوع سرمایه‌گذاری‌ها توانسته‌اند صادرات این کشورها را افزایش دهند.

از جمله آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات این کشورها، می‌توان به ایجاد زمینه‌ای برای صادرات به بازارهای ثالث، افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی، بهبود مزیت رقابتی کشور، ظهور سرریزهای<sup>۱</sup> سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش رقابت‌پذیری بین‌المللی بنگاه‌های داخلی این کشورها اشاره کرد. در حقیقت هدف سرمایه‌گذار خارجی و کشورهای میزبان، توسعه ظرفیت‌های تولیدی و به دنبال آن، گسترش بازارهای صادراتی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. با توجه به این که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، منابع تولیدی و مالی لازم برای سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت‌های تولیدی کشور میزبان را تأمین می‌نماید، در نتیجه زمینه‌های رشد صادرات را در کشور میزبان فراهم می‌سازد.

در این تخمین، ضریب سرمایه‌گذاری داخلی برابر  $0/23-$  و معنی‌دار برآورد شده است. منفی بودن ضریب سرمایه‌گذاری داخلی، ممکن است دلایل مختلفی داشته

باشد، از جمله آن که سرمایه‌گذاری داخلی، تجارت‌گرا نباشد، به این معنی که هدف سرمایه‌گذار داخلی فقط بازارهای داخلی باشد. از سوی دیگر ممکن است سرمایه‌گذاری داخلی به دلیل تولید در حد کمتر از ظرفیت کارخانه، یا کوچک بودن مقیاس تولید و یا عدم برخورداری از فناوری پیشرفته و دانش فنی لازم، بازدهی لازم را نداشته و یا حتی اگر توان تولیدی لازم را داشته باشد، ممکن است بازار صادراتی مناسبی برای کالاهای تولیدی خود نداشته باشد. با توجه به آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر جریان تجاری کشورهای آسیایی، در واقع، پدیده برون‌رانی<sup>۲</sup> در سرمایه‌گذاری داخلی کشورها اتفاق افتاده است.

تولید ناخالص داخلی نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات کل نمونه دارد. تولید ناخالص داخلی، نشان‌دهنده اندازه بازار داخلی یک کشور است، یعنی هرچه تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان بیشتر باشد، توان صادراتی کشور بالاتر است. اثر نرخ ارز بر صادرات در کل نمونه مورد بررسی مثبت است، اما معنی‌دار نیست.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل برخورداری از شرایط مناسب است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - اتخاذ راهبر برون‌گرایی و ایجاد همکاری‌های مشترک که در طی سالیان متمادی برگزیده‌اند.

۲ - ثبات سیاسی برای مدتی طولانی در این کشورها برقرار می‌باشد و دولت‌های آن‌ها، سیاست‌های مشخصی را در جهت ترغیب فعالیت شرکت‌های چند ملیتی اتخاذ نموده‌اند.

۳ - اقتصاد داخلی آن‌ها از روند توسعه‌ای مشخصی برخوردار است و زیربنای کافی در جهت رشد اقتصادی در این کشور وجود دارد. این مسأله سبب می‌گردد تا اقتصاد ملی دارای عملکردی هماهنگ باشد و فعالیت کشورهای میهمان تأثیری مثبت بر تعادل اقتصادی این کشورها داشته باشد.

۴ - کمبود منابع مالی و سرمایه‌گذاری در این کشورها از طریق منابع خارجی، به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأمین می‌شود.

۵ - نظام سیاسی این کشورها، اغلب در جهتی هماهنگ با سیاست‌های کشور میهمان حرکت می‌نماید و در بلندمدت تعارض چندانی بین نظام سیاسی این کشورها و نظام سیاسی کشور میهمان ظاهر نمی‌شود.

همان طوری که در جدول (۴) مشاهده می‌شود،

الگوی (۳) برای دو گروه غرب آسیا و شرق آسیا

به همراه اقیانوسیه نیز برآورد شده است که نتایج آن در جدول (۴) مشاهده می‌گردد. برای گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، F لیمر برابر ۱۲/۳۱ و هاسمن برابر ۰/۵۶ و برای گروه کشورهای غرب آسیا، F لیمر برابر ۳۴/۷۷ و هاسمن برابر ۸ می‌باشد، از این رو در مورد هر دو گروه مورد بررسی، الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی برآورد می‌شود.

جدول (۴): نتایج تخمین الگوی اول برای صادرات در دو گروه مورد بررسی (۱۹۸۰-۲۰۰۵)

متغیرهای مستقل	کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه		کشورهای غرب آسیا	
	ثابت	ضریب	ثابت	ضریب
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱۱۰۴	۱۰۲۰۵	۱۲۱	۱۰۰۰۱
نرخ ارز	۲۰۰	۱۰۲۱۱	-۳۳۸	۱۰۰۰۱
سرمایه‌گذاری داخلی	۸۹۱	-۱۰۲۱۸	۱۰۰	۱۰۰۰۱
تولید داخلی داخلی	۹۰۲	۱۰۲۱۱	۱۰۴۴	۱۰۰۰۱
F لیمر	۱۲۳۱		۳۰۷۷	۱۰۰۰۱
آزمون هاسمن	۲۱		۱۰۰	۱۰۰۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق \* اعداد داخل پرانتز، مقدار احتمال (Prob) فرضیه صفر را نشان می‌دهد.

نتایج این تخمین نشان می‌دهد که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهایی، اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات آن‌ها دارد، اما این اثر در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه قوی‌تر است. شاید موفقیت نسبی کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه در استفاده از



$$\ln_{it} = \alpha + \beta_1 \text{GDP}_{it} + \beta_2 \text{Exchange}_{it} + \beta_3 \text{GDP}_{it} + \epsilon_{it}$$

در این الگو،  $\text{Im}$  متغیر واردات و سایر متغیرهای موجود در الگو، همان متغیرهای تعریف شده در الگوی قبل هستند. نتایج تخمین این الگو به روش داده‌های تابلویی برای کل نمونه مورد بررسی (۲۴ کشور آسیایی و اقیانوسیه) در جدول (۴-۳) آمده است.

در این تخمین،  $F$  لیمر برابر ۱۵/۱۳ و هاسمن برابر ۱/۸۱ می‌باشد، در نتیجه الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی برآورد می‌شود. بر اساس این تخمین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر واردات در کل نمونه دارای اثر مثبت و معنی‌دار است و ضریب آن برابر ۴/۱۳ می‌باشد.

اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر واردات از دو لحاظ قابل بررسی است. از یک سو، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با افزایش اشتغال در کشور میزبان، می‌تواند باعث افزایش درآمدها و در نتیجه افزایش تقاضای داخلی در این کشورها شود و در صورتی که تولید داخلی پاسخگوی این افزایش تقاضا نباشد، واردات کالاهای نهایی افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر اگرچه با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید یک کالای خاص، واردات آن کالای خاص کاهش می‌یابد، اما این سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل افزایش وسیع مقیاس تولید، نیاز کشور میزبان به کالاهای

نرخ ارز در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه دارای اثر مثبت و معنی‌دار و در کشورهای غرب آسیا دارای اثر منفی و معنی‌دار بر صادرات است. از این رو، اثرات قیمتی در شرق آسیا و اقیانوسیه، خود را بهتر نشان می‌دهد.

زیرا ساختار اقتصادی کشورهای شرق آسیا که تکیه بیشتری بر بازار دارند، بنحوی که می‌توان بازار ارز را هم در این کشورها نسبت به غرب آسیا شناورتر متصور نمود. هر گونه افزایش در نرخ ارز در واقع در یک سطح بالاتری از تعادل بازار قرار می‌گیرد که با توجه به سودآوری آن در این شرایط، انگیزه تولید کالاهای قابل صدور و سپس صادرات را افزایش می‌دهد.

عکس این نتیجه نیز برای کشورهای غرب آسیا با بازارهای کنترل شده ارزی صادق است. در نهایت، ضریب سرمایه‌گذاری داخلی در هر دو گروه کشورهای مورد بررسی منفی است و تولید ناخالص داخلی در هر دو گروه اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات دارد، اما این اثر در شرق آسیا و اقیانوسیه ضعیف‌تر است.

#### ۴-۲-۲- تجزیه و تحلیل اثر سرمایه‌گذاری

##### مستقیم خارجی بر واردات

الگویی که به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر واردات می‌پردازد، به صورت زیر است:

دارد. از سوی دیگر اثر مثبت نرخ ارز بر واردات ممکن است به دلیل افزایش صادرات باشد.

زیرا با افزایش صادرات، درآمدهای داخلی افزایش یافته، لذا تقاضای داخلی افزایش می‌یابد و در صورتی که تولیدات داخلی، پاسخگوی این افزایش تقاضا نباشد، منجر به افزایش واردات می‌شود. همچنین ممکن است به دلیل سودآور بودن صادرات ناشی از افزایش نرخ ارز، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش یابد.

صادرات بیشتر، نیازمند تولید داخلی بیشتر است و به تبع آن نیاز به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای افزایش می‌یابد، در نتیجه افزایش نرخ ارز می‌تواند منجر به افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای شود. الگوی (۴) برای دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا نیز برآورد شده است که نتایج آن را می‌توان در جدول (۵) مشاهده کرد.

برای گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه،  $F$  لیمر برابر  $۱۲/۵۷$  و هاسمن برابر  $۰/۶۸$  و برای گروه کشورهای غرب آسیا،  $F$  لیمر برابر  $۱۷/۲۳$  و هاسمن برابر  $۱۰/۴۷$  است، از این رو در مورد کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی و در مورد کشورهای غرب آسیا، الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت برآورد می‌شود.

واسطه‌ای و سرمایه‌ای را افزایش می‌دهد و در نتیجه منجر به افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌شود.

در این تخمین، تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی‌داری بر واردات در کل نمونه مورد بررسی دارد. افزایش تولید ناخالص داخلی منجر به افزایش درآمد و در نتیجه افزایش تقاضای داخلی می‌شود و در صورتی که تولید داخلی نتواند پاسخگوی افزایش تقاضا باشد، واردات افزایش می‌یابد.

با وجود این که اثر نرخ ارز بر واردات، مانند یک اثر قیمتی است که انتظار می‌رود بر جریان ورودی کالاها و خدمات معکوس باشد، اما برخلاف انتظار نرخ ارز اثر مثبت و معنی‌داری بر واردات در کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه در این تحقیق دارد. اثر مثبت نرخ ارز بر واردات، ممکن است از عوامل مختلفی نشأت گرفته باشد.

از یک سو، این اثر ممکن است به دلیل افزایش ارزش واردات باشد. زیرا تغییر در ارزش واردات کشور به اندازه تغییر در سطح قیمت کالای وارداتی و تغییر در حجم واردات بستگی دارد که اثر قیمتی کاهش ناشی از حجم واردات را خنثی می‌نماید.

این موضوع در مورد کشورهای شرق آسیا، به دلیل آن که از شدت برون‌گرایی بالایی برخوردارند، دلالت

جدول (۵): نتایج تخمین الگوی دوم برای واردات در کل نمونه مورد بررسی (۱۹۸۰-۲۰۰۵)

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	$R^2$	F لیمر	آزمون هاسمن
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴/۱۲۹۰	۲۲/۵۳ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۰/۸۱	۱۵/۱۳ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۱/۸۱ $(Pr = ۰/۸۷)$
نرخ ارز	۰/۰۱۷۷	۱/۸۵ $(Pr = ۰/۰۰۷)$			
سرمایه‌گذاری داخلی	-۰/۲۱۹۷	-۵/۳۹ $(Pr = ۰/۰۰۱)$			
تولید ناخالص داخلی	۰/۱۳۶۰	۱۲/۲۰ $(Pr = ۰/۰۰۱)$			

منبع: یافته‌های تحقیق \* اعداد داخل پرانتز، مقدار احتمال (Prob) فرضیه صفر را نشان می‌دهد.

کشورهای غرب آسیا، F لیمر برابر ۱۷/۲۳ و هاسمن برابر ۱۰/۴۷ است، از این رو در مورد کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی و در مورد کشورهای غرب آسیا، الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت می‌باشد.

الگوی مربوط به واردات برای دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا نیز برآورد شده است که نتایج آن را می‌توان در جدول (۶) مشاهده کرد. برای گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، F لیمر برابر ۱۲/۵۷ و هاسمن برابر ۰/۶۸ و برای گروه

جدول (۶): نتایج تخمین الگوی دوم برای واردات در دو گروه مورد بررسی (۱۹۸۰-۲۰۰۵)

متغیرهای مستقل	کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه		کشورهای غرب آسیا	
	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱/۱۳۹۹ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۱۵/۹۲ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۲/۵۴۱۶ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۱۱/۳۹
نرخ ارز	۲/۴۱۳۶	۱/۱۲ $(Pr = ۰/۲۹)$	۰/۴۳۱۹	۱/۰۶ $(Pr = ۰/۲۹)$
سرمایه‌گذاری داخلی	-۰/۲۲۰۹ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	-۲/۸۲ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۰/۰۹۱۷ $(Pr = ۰/۱۶)$	۱/۴۲ $(Pr = ۰/۱۶)$
تولید ناخالص داخلی	-۰/۱۳۵۳ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۸/۵۷ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۰/۲۱۴۲ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	۱۶/۴۴ $(Pr = ۰/۰۰۱)$
F لیمر	۱۲/۵۷ $(Pr = ۰/۰۰۱)$		۱۷/۲۳ $(Pr = ۰/۰۰۱)$	
آزمون هاسمن	۰/۶۸ $(Pr = ۰/۹۵)$		۱۰/۴۷ $(Pr = ۰/۰۲)$	

منبع: یافته‌های تحقیق \* اعداد داخل پرانتز، مقدار احتمال (Prob) فرضیه صفر را نشان می‌دهد.

نتایج این تخمین در جدول (۶) نشان می‌دهد که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا، اثر مثبت و معنی‌داری بر واردات دارد، اما این اثر در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه قوی‌تر است. از سوی دیگر، بر اساس جدول (۴) اثر این سرمایه‌گذاری‌ها بر صادرات در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه نسبت به کشورهای غرب آسیا قوی‌تر است. این که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه قوی‌تر است، نشان‌دهنده صادرات‌گرا بودن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نشان‌دهنده موفقیت بیشتر آن‌ها در زمینه صادرات نسبت به کشورهای غرب آسیا است. از سوی دیگر این که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر واردات در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه قوی‌تر است، ممکن است ناشی از این مسأله باشد که چون این نوع سرمایه‌گذاری‌ها باعث افزایش بیشتری در صادرات کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه می‌شوند، در نتیجه از یک سو صادرات بیشتر نیازمند مقیاس تولید وسیع‌تر و در نتیجه واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بیشتر است. از سوی دیگر با افزایش بیشتر صادرات، درآمدهای داخلی بیشتر افزایش یافته، لذا تقاضای داخلی نیز بیشتر افزایش می‌یابد و در صورتی که تولیدات داخلی، پاسخگوی این افزایش تقاضا نباشد، منجر به افزایش بیشتر واردات می‌شود.

بر اساس نتایج تخمین الگوی مربوط به واردات در دو گروه مورد بررسی، اثر نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی بر واردات در هر دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا مثبت و معنی‌دار است. مطابق با نتایج به دست آمده، سرمایه‌گذاری داخلی در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه اثر کاهنده روی واردات دارد، به طوری که همانند اثرگذاری آن بر صادرات این کشورها نقش برون‌رانی ایفا می‌نماید. با این حال، این اثر در کشورهای غرب آسیا مشهود نیست، زیرا ضریب این متغیر معنی‌دار نیست.

#### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده در این تحقیق را با توجه به فرضیات تحقیق می‌توان این گونه بیان کرد:  
فرضیه اول، مبتنی بر اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر صادرات در کل نمونه و در دو گروه مورد بررسی یعنی کشورهای غرب آسیا و گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، قابل رد نمی‌باشد. بر اساس نتایج تخمین الگوی مربوط به صادرات در جدول (۳)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح معنی‌داری ۵ درصد بر صادرات در کل نمونه دارد، همچنین بر اساس نتایج تخمین این الگو در جدول (۴)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح معنی‌داری ۵ درصد بر صادرات در

شرق آسیا و اقیانوسیه نسبت به کشورهای غرب آسیا چشمگیرتر بوده است. بدین لحاظ می‌توان گفت ظرفیت جذب سرمایه‌گذاری بیشتری به صورت بالقوه در منطقه غرب این قاره فراهم است. از این رو، با توجه به اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی در کشورهای مورد بررسی، به کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران پیشنهاد می‌شود که به سیاست تأمین مالی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورند و شرایط ورود این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را تسهیل نمایند.

### منابع

- ۱- بهنام مجتهدی، ایرج. شرکت‌های چند ملیتی در صحنه اقتصاد جهانی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۸۲-۸۱. صص ۹۸-۱۰۷. ۱۳۷۳.
- ۲- بهنام مجتهدی، ایرج. شرکت‌های چند ملیتی در صحنه اقتصاد جهانی. اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۸۴-۸۳. صص ۹۸-۱۰۵. ۱۳۷۳.
- ۳- خباز پیشه، مهدی. نقش شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد کشورهای جهان سوم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع). ۱۳۶۹.
- ۴- داوودی، پرویز و شاهمرادی، اکبر. بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. شماره ۲۰. صص ۱۱۳-۸۱. ۱۳۸۳.

کشورهای غرب آسیا و گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه دارد. البته این اثر در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه نسبت به کشورهای غرب آسیا چشمگیرتر است.

فرضیه دوم، مبتنی بر اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر واردات در کل نمونه و در دو گروه مورد بررسی یعنی کشورهای غرب آسیا و گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، قابل رد نمی‌باشد. بر اساس نتایج تخمین الگوی مربوط به واردات در جدول (۵)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح معنی‌داری ۵ درصد بر واردات در کل نمونه دارد، همچنین بر اساس نتایج تخمین این الگو در جدول (۶)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح معنی‌داری ۵ درصد بر واردات در کشورهای غرب آسیا و در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه دارد.

جدول (۷): نام کشورهای منتخب

کشورهای غرب آسیا		کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه	
سوریه	لبنان	سنگاپور	چین
کویت	ترکیه	تایلند	هنگ‌کنگ
لبنان	عربستان سعودی	ژاپن	اندونزی
عمان	اردن	استرالیا	کره جنوبی
قطر	امارات متحده عربی	نیوزلند	مالزی
یمن	بحرین	فیجی	فیلیپین

نتایج بیانگر این واقعیت است که اثر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی در کشورهای

and Investment Behavior in the Caribbean. London: Routledge. 2000.

13- Liu, X., C. Wang and Y. Wei. Causal Links Between Foreign Direct Investment and Trade in China. China Economic Review. 2001.

14- UNCTAD. Transnational Corporations, Extractive Industries and Development. World Investment Report. United Nations Publication. 2007.

15- UNCTAD, FDI from Developing and Transition Economies: Implications for Development. World Investment Report. United Nations Publication. 2006.

16- UNCTAD, Transnational Corporations, Transnational Corporations Journal. United Nations Publication. Vol. 14, No. 3. 2005.

17- UNCTAD, Beyond 20-21 Maps CD-Rom. Vol.5.3. 2001.

18- Vavilov, S. Trade & FDI in Petroleum Exporting Countries: Complements or Substitutes? University of Paris. 2005.

19- Xiaoqin, F. and P. Dickie. The Contribution of Foreign Direct Investment to Growth and Stability: Apost- Crisit ASEAN-5 Review. ASEAN Economic Bulletin. Vol. 17. No. 3. 2000.

۵- عباسی، منصوره. بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌های مستقیم خارجی و موانع آن در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. دانشگاه تهران. ۱۳۸۲.

۶- کازرونی، علیرضا. آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و موانع بازدارنده آن در ایران. مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی. انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی. تهران. ۱۳۷۹.

۷- کمیجانی، اکبر و عباسی، منصوره. تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه مستقیم خارجی در ایران. تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۳. صص ۱۰۵-۶۹. ۱۳۸۵.

۸- ملکی، مهران. بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۲.

۹- هدایتی، حاتم. اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد صادرات کشورهای صادرکننده نفت گروه  $D_8$ . پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد. دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۷۷.

10- Africano. A. P. and M. Magalhaes. FDI and Trade in Portugal: A Gravity Analysis. FEB Working Paper. April. 2005.

11- Bayouci, T. and G. Lipwort. Japanese Foreign Direct Investment and Regional Trade. IMF Working Paper. August. 1997.

12- Berclay, L. A. Foreign Direct Investment in Emerging Economies: Corporate Strategy